

فاطمه زهرا علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری *

مقدمه

برای شناخت شخصیت‌ها، روش و راه‌های متعدد وجود دارد. یکی از این روش‌ها، شناخت ابعاد یک شخصیت از منظر شخصیتی الهی است. بر این اساس شناخت فاطمه زهرا علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله، یکی از بهترین گزینه‌ها برای شناخت ایشان است. بی‌تردید فاطمه زهرا علیها السلام در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه سترگ و خاص دارد و این امر در رفتار و گفتار با واژگانی همچون «ام ایها»، «نور چشم» و «پاره تن من» نمود پیدا نموده است. برای مثال رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی بزرگ بانوی دو عالم را این‌گونه معرفی کرده است: «وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَأَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ^۱؛ دخترم فاطمه، سرور زنان جهان از آغاز تا پایان است. او پاره‌ای از تنم، نور چشمم، میوه دلم، روح و جانم و حوریه‌ای به صورت انسان است». امام خمینی رحمته الله علیه در باره شخصیت آن بانوی بزرگوار می‌فرماید:

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا علیها السلام جلوه کرده بود. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان... او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است...^۲

* کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی.

۱. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۱۳.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۷.

عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست گیتی عرض است و این گوهر جوهر اوست
در قدر و شرفش همین بس که ز خلق احمد پدر است و مرتضی شوهر اوست^۱

در این مقاله برخی عبارتهای خاصی که در گفتار رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به کار رفته است و نیز برخی رفتارهای شاخص رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با آن حضرت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. محبوب‌ترین مردم

یکی از عرصه‌های مهمی شناخت شخصیت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، محبت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ساحت مقدس آن بانوی بزرگ است. از عایشه سؤال شد: «محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه کسی است؟». گفت: «فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام». سپس سؤال شد: «محبوب‌ترین مردان چه کسی بود؟». گفت: «شوهرش، علی عَلَيْهِ السَّلَام». ^۲ در روایتی درباره محبت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام آمده است: «مَا كَانَ أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام وَلَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام؛ ^۳ احدی از مردان نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محبوب‌تر از امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام نبود و نه از زنان، محبوب‌تر از فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام».

علاقه‌مندی خاص پدران نسبت به دختران‌شان، امری طبیعی است. رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز دخترش را به نوع خاصی دوست داشت، اما این علاقه تنها به خاطر رابطه پدری و فرزندی نبود؛ اگر چه این عاطفه در پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موج می‌زد، اما تعبیرات و سخنانی که آن حضرت هنگام اظهار علاقه نسبت به دخترش فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بیان می‌کرد، بیانگر دخیل بودن عوامل دیگری غیر از محبت پدری و فرزندی در ادای این کلمات و عبارات است. شاید منشأ این محبت را بتوان شناخت عمیق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام دانست. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خوبی می‌دانست که حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام مرکز نیروی ولایت و مادر امامان و پیشوایان دین و خیر کثیر است. اگر وجود آن بزرگوار نبود، نبوت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ولایت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام آشکار نمی‌شد. در واقع پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بهره‌گیری از این واژگان و عبارات در اظهار علاقه، از خداوند متعال متابعت می‌کرد و گویی

۱. احمد زمانی، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام چشمه جوشان هستی، ص ۱۶۱.

۲. نعمان بن محمد ابن حیون مغربی، شرح الأخبار، ج ۱، ص ۴۱.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، ج ۳، ص ۳۳۲؛ یوسف بن عبدالله قرطبی، الاستیعاب فی

معرفه الاصحاح، ج ۴، ص ۱۸۹۴.

وظیفه داشت موضع قرآن را بیان، و مردم را با این موضع گیری آشنا کند؛ چنانکه وقتی آیات تطهیر، مباحله، هل اتی و... در شأن صدیقه طاهره علیها السلام نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را موظف می دانست که این آیات را برای مردم تفسیر کند؛ از همین روست که محبت به اهل بیت علیهم السلام (از جمله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام) به عنوان وظیفه امت مطرح شده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛^۱ من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]».

۲. محور اهل بیت علیهم السلام

بی تردید تمامی اهل بیت علیهم السلام، نور واحد، و نزد خداوند از جایگاه بلندی برخوردار هستند، اما در این میان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نزد خداوند از مقام ویژه ای برخوردار است؛ زیرا در بیشتر دعاها یا متون معرفی اهل بیت علیهم السلام، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام محور قرار گرفته است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

فَاطِمَةُ علیها السلام مُهَجَّتْ قَلْبِي وَ ابْنَاهَا ثَمَرَةُ فُوَادِي وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصْرِي وَ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِهَا أُمَّتَاءُ رَبِّي وَ حَبْلٌ مَفْدُودٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ مِنْ اغْتَضَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى؛^۲ فاطمه علیها السلام، جان من است و دو پسرانش، میوه دل من هستند و شوهرش، نور چشم من است و امامان از فرزندانش، امینان پروردگار من هستند که ریسمانی کشیده شده میان او و خلائقش می باشند. کسی که به آنان چنگ بزند و تمسک جوید، نجات می یابد و کسی که از آنان تخلف ورزد و اعراض کند، در دره هلاکت سقوط می کند.

در کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ارجاع سه ضمیر مفرد مؤنث (ها) وجود دارد که مرجع آن ها، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و بیانگر این مطلب است که در میان پنج تن علیهم السلام، فاطمه علیها السلام محور است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می توانست خود را محور قرار دهد، اما این تعبیرات و چینش ها دارای نکات ژرف و بیانگر این مسئله مهم و اساسی است که فاطمه علیها السلام محور اصلی در معرفی اهل بیت علیهم السلام است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله، پدر آن بانو و علی علیه السلام شوهر آن حضرت و حسن و حسین علیهم السلام، دو فرزند آن مخدیره معرفی شده اند.^۳

۱. شوری: ۲۳.

۲. حسن بن یوسف حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۲۲۷.

۳. احمد زمانی، فاطمه علیها السلام چشمه جوشان هستی، ص ۱۴۰.

۳. برترین تکریم و احترام

تکریم و احترام به کرامت انسانی، امر عقلانی و شرعی است. از این رو انسان‌ها در روابط اجتماعی به انسان‌های دیگر احترام می‌گذارند و آنان را تکریم می‌کنند. نحوه و مرتبه تکریم، متفاوت است. رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با توجه به شخصیت والای حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، وی را تکریم و احترام می‌نمود و این مسئله نشانگر ارج و قرب حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نزد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به گونه‌ای حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام را تکریم می‌نمود که تعجب دیگران را بر می‌انگیخت؛ یعنی رفتار حضرت با آن بانوی بزرگوار فراتر از تکریم و برخورد‌های عادی بود و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمیق‌ترین احساسات پدرانانه خویش را تقدیم دخترش می‌نمود و در منبر و محراب، نماز و دعا و مناجات، مکه و مدینه، داخل شهر و خارج آن، در هر کوی و برزن، در برابر آشنا و غریبه و در هر محفل و مجلسی، دختر گرامی‌اش را تکریم می‌کرد. از عایشه نقل شده است:

أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَ قَبَّلَ رَأْسَهَا وَ أَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ وَ إِذَا جَاءَ إِلَيْهَا لَقِيَتْهُ وَ قَبَّلَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَةً وَ جَلَسَا مَعًا؛^۱ هر گاه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام به حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آمد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به احترام او می‌ایستاد و سرش را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند، و هر گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دیدار فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می‌رفت، حضرت به استقبال رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌شتافت و هر يك دیگری را می‌بوسید و با هم می‌نشستند.

در حدیث دیگری چنین آمده است: «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنان مشتاق فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بود که هر گاه به سفر می‌رفت، آخرین کسی را که با او وداع می‌کرد؛ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بود. هنگامی که از سفر نیز باز می‌گشت، نخستین کسی را که به دیدنش می‌شتافت؛ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بود».^۲

۴. برترین عبادت

یکی از زیباترین جلوه‌های روحی حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، جلوه عبادت اوست که مصداق آیه: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا»^۳ می‌باشد. فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، بانوی سحرخیز و شب‌زنده‌داری است که شب خود را با قیام و یاد خدا و تلاوت آیات به صبح می‌رساند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این

۱. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۵۲.

۲. مرتضی فیروزآبادی، فضایل الخمسه، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳. انسان: ۱۰: «ما از پروردگارانمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است»

باره فرموده است:

(دخترم) فاطمه عليها السلام، هر گاه در محراب خود در برابر پروردگارش جل جلاله بایستد، نورش برای فرشتگان آسمان می درخشد؛ چنانکه نور ستارگان برای زمینیان می درخشد و خداوند عزوجل به فرشتگانش می فرماید: «ای فرشتگان من! به کنیز من فاطمه بنگرید. بانوی کنیزان من در برابر من ایستاده است و گوشت تنش از بیم من می لرزد. او با دل خویش به عبادت من روی آورده است. شما را گواه می گیرم که شیعیان او را از آتش ایمن کردم»^۱.

حضرت فاطمه عليها السلام رابطه انس خود با خدا و عبادت و نیایش با تمام وجود را مهربون تربیت پیامبر صلى الله عليه وآله است. آن حضرت در خانه‌ای به دنیا آمد که همواره در آن خداند پرستش می شد. از خردسالی بانگ آسمانی تکبیر را می شنید و زمزمه‌های مناجات مادر و پدر را استماع می کرد. آن گاه که مادر را از دست داد، پدری بسان مادر او را در برگرفت و به تربیت او همت گماشت؛ همان پدری که ثلث آخر شب در حال احیا و عبادت بود و فاطمه عليها السلام خردسال گاهی تماشاگر پدر در عبادت بود و زمانی همپای پدر در عبادت می شد. طبیعی است در این بیداری و همگامی، با خلوت شب و روح سحر انس و آشنایی یافت. از سوی دیگر او توصیه‌های پدر را به یاد داشت که می فرمود: «جامه خوف از خدا را بر خود بپوشانید و آخرت خود را برای وجودتان آماده سازید و کوشش تان برای محل جاوید و مستقرتان باشد»^۲.

حضرت زهرا عليها السلام در عبادت تا جایی پیش می رود که نوعی انقطاع الی الله برای او پدید می آید و در یکی از مناجات خود به خداوند عرض می کند: «وَ اللَّهُمَّ إِنِّي طَاعَتِكَ وَ الْعَمَلَ بِمَا يُؤْصِيكَ وَ التَّجَنُّبَ لِمَا يُسَخِّطُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۳ خداوند! مرا به آنچه که روزی ام نموده‌ای، قانع ساز و تا هنگامی که باقی نگاه می داری، [عیب] مرا بپوشان و سلامت بدار و هنگامی که میراندی، مرا پیامرز و رحمت نمای».

۵. برترین زنان عالم

در میان اولیا و صالحان، زنانی بودند که در طول تاریخ بشر در راه توحید و اهداف الهی فداکاری‌های زیادی کردند و همواره نام آن‌ها بر تارک تاریخ بشر می درخشد. در روایات اسلامی از چهار بانوی بزرگوار و با شرافت به عنوان برترین زنان عالم و برترین زنان بهشت یاد شده است:

۱. عمادالدین محمد بن عبدالله طبری، بشارة المصطفى، ص ۱۹۹؛ محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۱۱۳.

۲. حسن بن محمد دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۴۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۰۷.

چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «خَيْرُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ؛^۱ برترین زنان بهشتی مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد ﷺ و آسیه دختر مزاحم (زن فرعون) هستند». آن حضرت در سخن دیگری فرموده است: «برترین زنان بهشتی مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد ﷺ و آسیه دختر مزاحم (زن فرعون) هستند». ^۲ قرآن نیز از آنان به عنوان زنان الگو یاد کرده است. اگر چه حضرت زهرا عليها السلام به عنوان انسان کامل و حجت خداوند بر بندگان، یکی از زنان برتر جهان معرفی شده است؛ با سه زن دیگر یاد شده در این روایات تفاوت‌هایی دارد که بیانگر برتری ایشان نسبت به این زنان است. در ذیل به دو مورد از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

• آسیه عليها السلام، مریم عليها السلام و خدیجه عليها السلام الگوهای زنان عصر خود هستند؛ اما حضرت زهرا عليها السلام الگوی زنان همه عصرهاست؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَ الْآخِرِينَ؛^۳ فاطمه دختر من، برترین زنان از اولین تا آخرین آنهاست». همچنین آن حضرت خطاب به حضرت زهرا عليها السلام فرموده است: «يَا فَاطِمَةُ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ؛^۴ ای فاطمه! آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان باشی؟».

• آسیه عليها السلام، مریم عليها السلام و خدیجه عليها السلام بیشتر در یک بُعد زندگی موفق و الگو بودند؛ چنانکه آسیه عليها السلام در دفاع از دین خدا و پیامبر الهی و مبارزه با ظلم و ستم فرعون فعالیت نمود^۵ و سرانجام در راه حق به شهادت رسید.^۶ حضرت مریم عليها السلام نیز به عنوان مظهر عفاف و پاکدامنی شهرت داشت؛ چنانکه قرآن از ایشان به عنوان مظهر پاکدامنی یاد کرده است: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛^۷ (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان

۱. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۹۳؛ محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۷۹.

۳. محمد بن علی صدوق، الأمالی، ص ۱۱۳.

۴. مرتضی فیروزآبادی، فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۴۱؛ ر.ک: قاضی نورالله المرعشی التستری، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ص ۲۹۴.

۵. محمد مهدی اشتهااردی، زنان مردافرین تاریخ، ص ۵۷.

۶. علی دوانی، زن در قرآن، ص ۴۵.

۷. آل عمران: ۴۲.

گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است». از حضرت خدیجه عليها السلام نیز به عنوان الگوی انفاق و بخشش یاد شده است و این بُعد شخصیتی ایشان به گونه‌ای پر رنگ است که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: «هیچ مالی به من سود نبخشید، آن گونه که ثروت خدیجه عليها السلام به من سود بخشید».^۱ این در حالی است که وجود مقدس حضرت زهرا عليها السلام، واجد همه کمالات انسانی و الهی است؛ از این رو از ایشان به عنوان حجت امامان معصوم عليها السلام یاد شده است. امام عسکری عليه السلام فرموده است: «نحن حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَالْفَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا»^۲ ما حجت خدا بر مردم هستیم، اما فاطمه عليها السلام حجت خدا بر ماست». قرآن در آیه ۶۱ آل عمران و در جریان مباحله از وجود مقدس زهرا عليها السلام به عنوان «نساءنا» یاد کرده است^۳ که جایگاه آن حضرت را نشان می‌دهد. در آیه ۸ سوره انسان نیز به ایثار خانواده حضرت فاطمه زهرا عليها السلام اشاره و ایثار خانواده حضرت به نمایش گذاشته شده است. در روایات به دیگر ابعاد شخصیت صدیقه طاهره عليها السلام اشاره شده است که برتری ایشان به همه زنان برتر عالم را نشان می‌دهد؛ چنانکه رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ تَمْرَةٌ فُؤَادِي سَوْوَنِي مَا سَاءَ مَا يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا وَ إِنَّهَا أَوْلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ»؛ فاطمه پاره تن من و روشنی دیده و میوه دل من است. آنچه او را ناراحت کند، مرا ناراحت می‌کند و آنچه شادش کند، مرا شاد می‌کند. او نخستین کس از اهل بیت من است که به من می‌پیوندد».

۶. عصمت و پاکدامنی

یکی از فضایل حضرت زهرا عليها السلام، عصمت آن حضرت است. هنگامی که از عصمت و چرایی آن سخن به میان می‌آید، عصمت انبیا و امامان عليهم السلام به ذهن متبادر می‌شود؛ زیرا انبیا و ائمه عليهم السلام باید معصوم باشند تا در گفتار، رفتار و تبیین دین خطا نکنند، اما حضرت فاطمه عليها السلام نه پیامبر و نه امام است؛ در عین حال معصوم است و این مسئله، نقطه عطف و اوج طهارت عظمت و جایگاه وجود مقدس حضرت زهرا عليها السلام است؛ زیرا حضرت بدون سمت نبوت و امامت، معصوم است. آیات و روایات متعددی بر عصمت اهل بیت حضرت زهرا عليها السلام دلالت دارد که از جمله آن‌ها

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲. عبدالحسین طیب، تفسیر اُطیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۳۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۶۴.

۴. محمد بن احمد فتال النیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۳۴۵.

می توان به آیه تطهیر اشاره کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

واژه «رجس» به معنی شیء ناپاک است، خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد یا به حکم عقل یا شرع و یا هر دو. تفسیر «رجس» به معنی «گناه»، «شرك»، «بخل و حسد»، «اعتقاد باطل» و مانند آن، در حقیقت بیان مصداق‌هایی از آن است؛ و گرنه مفهوم این کلمه، مفهومی عام و فراگیر است و همه انواع پلیدی‌ها را به حکم اینکه الف و لام در اینجا به اصطلاح «الف و لام جنس» است، شامل می شود. «تطهیر» به معنی پاک ساختن و در حقیقت تأکید بر مسئله «اذهاب رجس» و نفی پلیدی‌هاست و ذکر آن به صورت «مفعول مطلق» در اینجا نیز تأکید دیگری بر این معنی محسوب می شود.^۲ مفسران شیعی و برخی عالمان اهل سنت، این آیه را درباره اهل کسا (محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام، علی، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام) دانسته‌اند.^۳ پس از نزول آیه تطهیر، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در خانه ام سلمه بود، علی عَلَيْهِ السَّلَام، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و حسنین عَلَيْهِمُ السَّلَام را نزد خود خواند و عباي خویش را روی آن‌ها کشید و فرمود: «اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»^۴ خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پس هر گونه پلیدی را از آن‌ها دور کن و کاملاً پاکشان گردان».

بنابراین حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، جزو اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است و خداوند آن حضرت را از هر گونه پلیدی و گناه دور کرده است. روایات متعددی درباره عصمت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام وجود دارد که تنها به یک روایت اشاره می شود. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره دختر گرامی اش فرموده است: «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام، وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا»^۵ همانا خداوند بلند مرتبه با غضب فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام غضبناک و با رضایت او خشنود می شود». نکته درخور توجه درباره این روایت، آن است که رضایت و نارضایتی فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، محور خشنودی و ناخشنودی خداوند خوانده شده است. تفسیر این حقیقت، چیزی جز عصمت آن حضرت نیست. خداوند جز به اعمال صالح خشنود

۱. احزاب: ۳۳.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۳؛ ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

۳. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ج ۱، ص ۱۱۳.

۴. علی بن محمد ابن اثیر جزری، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۴۹۰.

۵. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۴۲۸.

نمی‌شود و هیچ‌گاه به گناه و سرپیچی از فرمانش رضایت نمی‌دهد. اگر حضرت زهرا عليها السلام به گناه آلوده می‌شد یا حتی فکر آن را در سر می‌پروراند، به چیزی خشنود شده بود که خدا از آن خشنود نیست.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب عليهم السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة فی تعريف الأئمة عليهم السلام، تحقیق: سامی الغیری، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۶. اشتهازی، محمد مهدی، زنان مردآفرین تاریخ، تهران: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۷. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، چاپ اول، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲ م.
۸. دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، تصحیح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۹. دوانی، علی، زن در قرآن،
۱۰. زمانی، احمد، فاطمه عليها السلام چشمه جوشان هستی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۹۹ ش.
۱۱. شوشتری، نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی العامه، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. _____، النخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۶. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۷. طبری آملی، عمادالدین محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، چاپ دوم، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.
۱۸. طیب، عبدالحسین، تفسیر أظیب البیان، تهران: اسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، چاپ اول، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، چاپ اول، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۲۱. فیروزآبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۲۲. قرطبی، یوسف بن عبدالله، الاستعاب فی معرفه الصحاب، چاپ چهارم، بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۲ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تحقیق جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ش.